

پژوهشی پیرامون تأثیر عوامل سیاسی - قانونی بر سطح اعتماد سیاسی

محمد خانباشی^۱

تاریخ پذیرش: ۹۱/۴/۲۹

تاریخ وصول: ۹۱/۲/۱۸

چکیده

در اکثر جوامع به علت مجموعه‌ای از عوامل نظیر از خود بیگانگی، فقدان سرمایه اجتماعی، وجود رسانه‌های انتقادی و یا میزان پاسخگویی نهادها و سازمان‌های عمومی، میزان اعتماد به دولت و نهادهای دولتی کاهش یافته است. اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که برخی عوامل راهبردی محیطی احتمالاً این پدیده را تشدید می‌نمایند و یا به گونه‌ای بر آن مؤثرند. در این مقاله ابتدا به بررسی ادبیات اعتماد می‌پردازیم و سپس تأثیر عوامل سیاسی - قانونی را در افزایش یا کاهش سطح اعتماد سیاسی مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. بنابراین هدف این مقاله مطالعه و بیان نقش عوامل سیاسی - قانونی در اعتماد عمومی به دولت‌ها است. همچنین روش تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی است و برای گردآوری اطلاعات آن از ابزار پرسشنامه و جهت بررسی و تحلیل فرضیات آن از نرم افزارهای آماری SPSS و LISREL استفاده شده است. چند سازمان دولتی و غیردولتی شهر تهران جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند که نمونه آماری از میان جامعه فوق انتخاب و پرسشنامه نهایی در میان آنها توزیع شد. یافته‌های پژوهش از نقش مهم مؤلفه‌های سیاسی - قانونی در تبیین میزان اعتماد سیاسی در سطح جامعه حکایت دارد. از این رو نتایج این دست بررسی‌ها و نیز انجام مطالعات تکمیلی در این زمینه ضمن کمک به گسترش مرزهای دانش قبلی ما در این حوزه، بستری برای توجه بیشتر دولت به مقوله اعتماد سیاسی و راهکارهای بهبود آن خواهد بود.

واژگان کلیدی: اعتماد^۲، اعتماد سیاسی^۳، عوامل سیاسی - قانونی^۴، عوامل راهبردی محیطی^۵.

۱- دکتری مدیریت دولتی و مدرس دانشگاه علامه طباطبایی

2. Trust
3. Political Trust
4. political-legal factors
5. Strategic environmental factors



مقدمه

مسئله اعتماد به نظام مدیریت دولتی و یا نظم سیاسی و حکومتی را می‌توان از جنبه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اداری، فرهنگی و ... مورد بررسی قرار داد. در پژوهش‌های گذشته در خصوص اعتماد عمومی عمده جهت‌گیری‌ها معطوف به عامل پاسخگویی بوده و به نقش عوامل استراتژیک محیطی نظیر عوامل سیاسی - قانونی کمتر توجه شده است. با توجه به اینکه در تحقیقات علمی باید مهم‌ترین عوامل مؤثر بر یک متغیر مورد شناسایی قرار بگیرند، در این مقاله ضمن مروری بر مبانی نظری اعتماد سیاسی و ارائه یک دسته بندی پیشنهادی در این زمینه تلاش می‌شود برخی از مهم‌ترین عوامل سیاسی - قانونی مؤثر بر اعتماد عمومی به دولت شناسایی، استخراج و اولویت‌بندی شوند و میزان و نحوه تأثیر هر یک از آنها بر سطح اعتماد مردم به دولت مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد. بر این اساس با توجه به نقش پر اهمیت میزان اعتماد به دولت در یک جامعه، تحقیق حاضر در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است: عوامل سیاسی - قانونی تأثیرگذار بر سطح اعتماد سیاسی کدامند و هر یک از این عوامل چگونه و تا چه میزان اعتماد سیاسی را در یک جامعه متأثر می‌سازند؟

مفهوم اعتماد

اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه است. اعتماد مبادلات را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سرعت می‌بخشد. در فضای مبتنی بر اعتماد ابزارهایی چون زور و اجبار به تضمین داد و ستدها، کارایی خود را از دست می‌دهند. در واقع اعتماد، کار بازار را رونق می‌بخشد، تمایل افراد را به تعامل و همکاری با گروه‌ها افزایش می‌دهد و شبکه‌ای پر رونق از تجمع‌های داوطلبانه در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی ایجاد می‌کند. اعتماد، رضایت را جانشین اجبار می‌کند و این یکی از اهداف مهمی است که نخبگان و اداره کنندگان جامعه در صدد دستیابی به آن هستند (گلایی، ۱۳۸۳، ص ۱). پس اعتماد یک احتمال عقلانی است که براساس آن یک



کنش‌گر در رابطه با دیگر گروه‌ها و کارگزاران رفتار آنها را قبل از وقوع آن پیش‌بینی و فعالیت خود را براساس آن طراحی می‌کند (لارسون^۱، ۲۰۰۷، ص ۲۲۲).

جدول ۱. تعاریف متفاوت از مفهوم اعتماد

تعریف از اعتماد	نویسنده و سال
اطمینان یا اتکاء به برخی از ویژگی‌ها یا خصایص یک شخص یا سازمان، پذیرفتن یا اعتبار دادن به شخص یا سازمان بدون بررسی و دریافت شواهد و قرائن، باور یا اعتقاد یا اتکاء به صداقت یک فرد یا سازمان، داشتن انتظارات مطمئن نسبت به فرد یا سازمان و همچنین صداقت، درستی و وفاداری.	فرهنگ انگلیسی آکسفورد
صلاح‌دیدی از جانب فرد یا گروهی که می‌توان به واسطه آن بر کلام، وعده، اظهار شفاهی یا کتبی فرد یا گروه دیگری تکیه کرد.	Rootter (1997)
انتظارات یا باورهایی که افراد دوست دارند به دیگران به طریقی قابل پیش‌بینی و نه صرفاً در راستای منفعت شخصی خود نشان دهند.	Luhman (1979)
اعتماد یک انتظار مثبت است، در رابطه با اینکه طرف مقابل در گفتار، کردار و تصمیمات خود به گونه‌ای فرصت طلبانه رفتار نکند.	Gordon (2000)
اعتماد یعنی حالت روانشناسی که افراد را قادر می‌سازد تا آسیب‌پذیری و رفاه خود را در دستان دیگر بخش‌ها قرار داده و انتظار رفتارهای مثبت از این بخش‌ها را داشته باشند.	Burg (2005)
اعتماد سطحی از اطمینان است که یک فرد در رابطه با دیگری از آن برخوردار است و بر اساس آن رفتاری منصفانه، اخلاقی و قابل پیش‌بینی ارائه می‌کند. اعتماد دارای یک ساختار چند بعدی است که شامل اعتماد بین فردی، بین دو نفر، گروهی، سازمانی، بین سازمانی، اعتماد سیاسی، اجتماعی، اعتماد به همکار در محل کار، اعتماد بین ارشد و زیردست در محل کار و ... می‌باشد.	Nyhan and Marlowe, (1997) Nyhan, (2000)

فضای مفهومی اعتماد سیاسی^۲

اعتماد سیاسی از نظر سیتیرین^۳ به احساس مردم در مورد متصدیان سیاسی و سیاست‌های آنان باز می‌گردد. لیپست و اشنایدر^۴ هم در کالبد شکافی اعتماد، اطمینان سیاسی را به رهبران سیاسی و رهبران نهادهای اصلی محدود دانسته‌اند. اعتماد سیاسی از نظر ایستون مجموعه‌ای از نگرش‌های مثبت نسبت به موضوعات یا سوژه‌های سیاسی است (حیدری،

1. Larson
2. Political Trust
3. Citirin
4. Lipset & Schneider

۱۳۸۷، ص ۱۰). او یکی از اندیشمندانی است که می‌گوید اعتماد سیاسی هم به سمت رژیم سیاسی جهت می‌یابد و هم به سمت متصدیان اقتدار در جامعه.

نوریس^۱ هم در تعریف اعتماد سیاسی به پنج شاخص پرداخته که عبارتند از:

۱- حمایت از اجتماع سیاسی مثل ملت، کشور (حمایت از کشور در زمان جنگ)؛

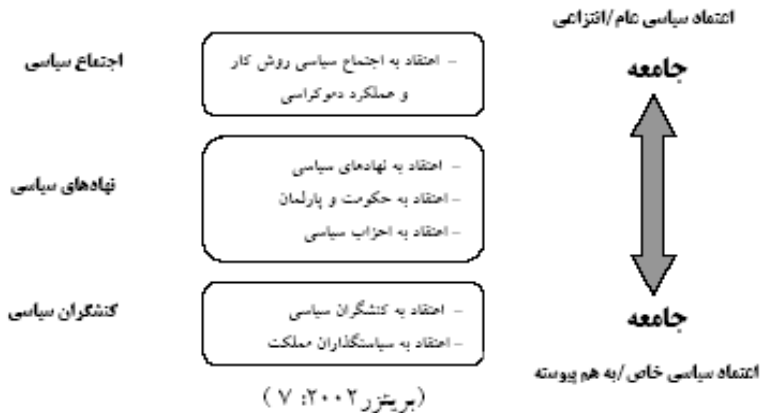
۲- حمایت از قانون اساسی کشور؛

۳- حمایت از امور اجرایی رژیم مثل دموکراسی و امثال آن؛

۴- حمایت از نهادهای رژیم مثل حکومت، پارلمان، قوه قضاییه، پلیس، بوروکراسی،

احزاب سیاسی و حمایت از کنش‌گران سیاسی و رؤسای سیاسی و اجرایی.

اطمینان سیاسی بیشتر به نخبگان و رهبران سیاسی می‌پردازد ولی اعتماد سیاسی مفهومی عام‌تر است و علاوه بر کنش‌گران به نهادها و بعضاً به خود نظام سیاسی هم می‌پردازد بنابراین از بین این واژه‌ها با توجه به جامعیت و سایر جوانب، آنچه در این تحقیق مورد نظر می‌باشد، اعتماد سیاسی است که هر سه جزء تشکیل‌دهنده یک حکومت را به عنوان یک ساختار سیاسی کامل و فراگیر پوشش می‌دهد. از نظر ابعاد اعتماد سیاسی، با توجه به نظریات بریتزر، ابعاد اعتماد سیاسی را می‌توان در طیفی وسیع بین اعتماد سیاسی عام / انتزاعی تا اعتماد سیاسی خاص / به هم پیوسته در نظر گرفت که شامل سه بعد اعتماد سیاسی است. این سه بعد به صورت زیر به تصویر کشیده می‌شود:



شکل ۱. مدل ابعاد اعتماد سیاسی

(شایگان، ۱۳۸۶، ص ۲۲، به نقل از بریتزر^۱، ۲۰۰۲)

تعریف اعتماد سیاسی

تعاریف متفاوتی از مفهوم اعتماد سیاسی ارائه شده است که می‌توان مفهوم اعتماد سیاسی را از میان آنها استخراج کرد. وارن^۲ در تعریف خود بر تمایل مردم برای پیروی از رهبران سیاسی در یک جامعه تأکید نموده است. فوکویاما^۳ نیز به درک مشترک جامعه اخلاقی، اجتماعی و سیاسی با توافق بر روی ارزش‌های اجتماعی که باید تعقیب شود اشاره نموده است (فوکویاما، ۱۹۹۵، ص ۱).

اما تعریف هترینگتون^۴ از اعتماد سیاسی می‌گوید که اعتماد سیاسی عبارت است از: درجه‌ای از انتظارات شهروندان از توانایی و موفقیت حاکمان که متناسب با انتظارات آنها باشد. از نظر او ارتباط تنگاتنگی از یک سو، بین اعتماد اجتماعی (اعتماد مردم به یکدیگر) و سیاسی (اعتماد به نخبگان خود) و از سوی دیگر بین تجارب سیاسی افراد و برداشت آنها از کارآمدی دولت وجود دارد. در این تعریف عنصر مهم و کلیدی در تلقی و ادراک

1. Bretzer
 2. Warren
 3. Fukuyama
 4. Hetherington

شهروندان از کارآمدی دولت نهفته است و نه واقعیت مربوط به موفقیت‌ها و موقعیت‌های دولت (هترینگتون، ۱۹۹۸، صص ۸۰۸-۷۹۱). به این معنا که ممکن است دولتی از نظر آمار و ارقام و اطلاعات دستگاه‌های خود یا دیگران از کارآمدی در عرصه‌های مختلف برخوردار باشد ولی مردم چنین تلقی و برداشتی از آن نداشته باشند. به واسطه همین تعریف است که اعتماد سیاسی ارتباط عمیقی با فرهنگ سیاسی توده‌ها دارد که در آن به نحوه نگرش، احساسات و ارزیابی مردم درباره نظام سیاسی و نهادهای ذی‌ربط توجه می‌شود. به نظر می‌رسد که مفهوم اعتماد یکی از مفاهیم سهل و ممتنع (ساده و در عین حال پیچیده) است. این مفهوم به انحاء مختلف در زبان روزمره استفاده می‌شود و از سوی دیگر علوم اجتماعی تلاش دارد تا از آن برای تبیین محدوده وسیعی از پدیده‌های اجتماعی بهره جوید. با عنایت به این مطلب در اینجا تلاش می‌شود تا دو تعریف متفاوت از مفهوم فوق ارائه گردد:

۱- اعتماد سیاسی را می‌توان به این صورت تعریف کرد: احتمال اینکه یک نظام سیاسی یا بخشی از آن پیامدها یا نتایج مورد نظر مردم را در آینده تولید خواهد کرد. به عبارت دیگر اعتماد سیاسی یعنی احتمال کسب نتایج مطلوب بدون این که یک گروه از مردم برای وقوع آن کاری صورت بدهند (احتمال انجام امور مطلوب مردم توسط دولت بدون اینکه نیازی به دخالت مستقیم آنها باشد) (گامسون^۱، ۱۹۶۸، ص ۵۴)؛

۲- اعتماد باور ما درباره عملی است که از دیگران انتظار می‌رود. یعنی احتمال اینکه دیگران کارهای خاصی را انجام دهند و یا از انجام کارهای خاصی امتناع کنند. اعتماد عبارت از این اعتقاد است که دیگران از طریق انجام یا عدم انجام برخی اعمال موجب خشنودی ما می‌شوند و یا از وارد آمدن زیان به ما اجتناب می‌نمایند (آف^۲، ۱۹۹۹، ص ۴۷).

به نظر می‌رسد که هر دو تعریف بر این نکته تأکید می‌ورزند که اعتماد یک نوع باور یا اعتقاد است. این باور در مورد اعمال یا اقدامات آینده دیگران است و بالاخره اینکه



اعتماد همراه با خطر کردن است چرا که به هنگام شکل‌گیری آن، قطعیتی پیرامون نتایج و پیامدهای حاصل از آن وجود ندارد. بنابراین اعتماد تنها در بستر روابط اجتماعی بروز پیدا می‌کند. این به آن معنا است که برای ظهور اعتماد حداقل به دو کنش‌گر نیاز است. به بیان ساده می‌توانیم این رابطه را به صورت زیر ترسیم کنیم: فرد A به B اعتماد می‌کند تا کار X را انجام دهد. این به معنای آن است که فرد می‌تواند به یک نهاد عمومی اعتماد کند تا آنچه را که انتظارش را دارد برای او انجام دهد یا طبق مؤلفه‌های مورد انتظار وی رفتار نماید. در حالی که اعتماد بین فردی کمتر مورد سؤال واقع می‌شود مباحث مختلفی پیرامون میزان و چگونگی اعتماد عمومی نسبت به نهادها وجود دارد.

برای نمونه طبق نظر هاردین اعتماد به نهادهای عمومی تنها هنگامی ممکن است که یکی از دو وضعیت زیر تحقق یابد: هر کدام از اعضای یک نهاد معین را بشناسیم و یا اینکه از جزئیات نقش و ساختار قدرت و اختیار در چنین نهادی با خبر باشیم. از آنجایی که نمی‌توان از شهروندان انتظار داشت که از چنین دانشی برخوردار باشند.

بنابراین هاردین نتیجه می‌گیرد که اعتماد شهروندان به نهادهای اجتماعی دشوار است. اگرچه به نظر می‌رسد که وجود شفافیت در فرایندها می‌تواند اعتماد شهروندان را افزایش دهد. به این ترتیب اعتماد به نهادها مادامی امکان‌پذیر است که افراد دست کم از میزانی از دانش در مورد آن نهاد برخوردار باشند. نکته مهم این است که برای بروز اعتماد حتی در رابطه میان دو نفر به چنین درجه بالایی از دانش که هاردین به آن اشاره می‌کند نیازی نیست. در حقیقت نیازی نیست که اعتماد مبتنی بر دانش باشد زیرا اساساً اعتماد بر بستر درجه‌ای از ریسک و عدم اطمینان شکل می‌گیرد یا به عبارت بهتر بحث اعتماد در موقعیت‌هایی ضرورت می‌یابد که اطلاعات موجود کامل نیست. البته شهروندان تا حدودی از چنین دانشی برخوردارند. آنها رهبران و خروجی خط مشی را می‌شناسند و همواره با امور جاری و رویه‌های روزمره مؤسسات در ارتباطند.

اولین عنصری که در هر گونه تعریف از بحث اعتماد به چشم می‌خورد این ایده است که اعتماد نوعی باور است. پس وقتی ما به شخصی اعتماد می‌کنیم نوعی اعتقاد را در مورد

اعمال و اقدامات آتی وی ابراز می‌داریم. اعتماد باوری درباره آن چیزی است که دیگران انجام خواهند داد و یا انجام نخواهند داد و این که پیامدها و نتایج این عمل چه خواهد بود. این باور می‌تواند در علل یا مفروضات متفاوتی ریشه داشته باشد. مثلاً اعتماد می‌تواند مبتنی بر دانش باشد یا می‌تواند ناشی از همدلی و یا قصد سود رسانی به دیگران باشد. در هر صورت مبنای اعتماد به طور مستقیم به یک عینیت بیرونی، شخص یا گروهی از اشخاص مربوط می‌گردد که این اعتماد به سمت آنها جهت گیری شده است (لوی و استوکر^۱، ۲۰۰۰، صص ۴۷۵-۵۰۷).

از آنجایی که اعتماد نوعی باور در مورد اقدامات آینده و پیامدهای آنها است ویژگی دوم هرگونه رابطه مبتنی بر اعتماد این است که این رابطه همواره با مخاطره همراه است. هنگامی که به دیگران اعتماد می‌کنیم از پیامدهای آن مطمئن نیستیم. یعنی در رابطه با اعمال دیگران توقعاتی داریم بدون اینکه بدانیم نتیجه نهایی چه خواهد شد! شخصی که اعتماد می‌کند از این مخاطرات آگاه است و خود را در برابر دیگران آسیب‌پذیر می‌نماید. پس اعتماد راهی است برای کاهش عدم اطمینان افراد نسبت به اعمال و اقدامات آینده و در عین حال مخاطرات پیش روی ما را در روابط اجتماعی افزایش می‌دهد.

دیگر عنصر اصلی اعتماد عبارت است از این که این پدیده به ارزیابی ما از میزان قابلیت اعتماد^۲ دیگران بستگی دارد. هر چند که وجود چنین رابطه‌ای دست کم به صورت ضمنی بدیهی به نظر می‌رسد اما به ندرت در قالب تحقیقات تجربی مورد بررسی واقع شده است. منظور از قابلیت اعتماد این است که دیگران تا چه اندازه ظرفیت برآورده ساختن اعتماد ما را دارند.

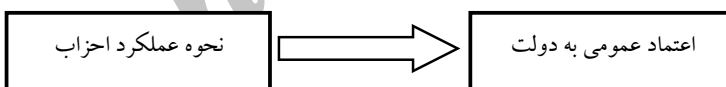
طبعاً چنین ارزیابی‌هایی از عدم قطعیت پیش روی ما می‌کاهند و پایه‌ای را برای بروز روابط مبتنی بر اعتماد فراهم می‌آورند. حتی هنگامی که هیچ الزامی برای اعتماد وجود ندارد یک شخص یا نهاد می‌تواند شاخص‌های مربوط به قابلیت اعتماد را ترسیم کند که این امر تا حدودی اعتماد کنندگان بالقوه را مطمئن می‌سازد که گروه‌های مورد اعتماد به



آنها خیانت نخواهند کرد (لوی و استوکر، ۲۰۰۰، صص ۴۷۵-۵۰۷). اگرچه این مسئله به صورت آشکار در تعاریف ذکر نشده است ولی یک موضوع مهم در مباحث اعتماد این است که فرد اعتماد کننده از طریق بیان و یا ارائه این اعتماد به نوعی باعث پشتیبانی و تحرک طرف یا طرف‌های دیگر این رابطه می‌شود. یعنی این توقع وجود دارد که دیگری به یک روش خاص عمل کند و ما به واسطه اعتماد خویش از نیاز به کنترل و نظارت بر وی چشم‌پوشی می‌کنیم.

عوامل سیاسی-قانونی مؤثر بر اعتماد عمومی به دولت

گستره وسیعی از علل سیاسی اعتماد یا عدم اعتماد به دولت شناسایی شده است. کینگ^۱ کاهش در شاخص‌های اعتماد به دولت را به طرفداری از احزاب سیاسی و یا تکثر آنها ربط می‌دهد (کینگ، ۱۹۹۷، صص ۱۷۸-۱۵۵). از این دیدگاه جدال میان طرفداران احزاب و یا وقوع منازعات شدید سیاسی نگاه منفی عامه را نسبت به دولت در پی خواهد داشت. به علاوه نوستات^۲ اظهار می‌دارد که اعتماد عمومی به دولت به واسطه اتخاذ سیاست‌های نامناسبی که سوء ظن و بدگمانی را به دنبال دارند، آسیب می‌بیند (نوستات، ۱۹۹۷، صص ۲۰۱-۱۷۹).



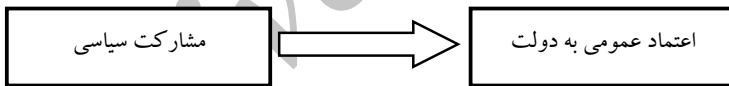
شکل ۲. ارتباط بین اعتماد عمومی به دولت و نحوه عملکرد احزاب سیاسی

قطع نظر از این بحث به نظر می‌رسد که بین ایدئولوژی سیاسی و پیوند با احزاب سیاسی از یک سو و اعتماد به دولت از سوی دیگر رابطه‌ای قوی وجود داشته باشد. به ویژه افرادی که در چارچوب یک حزب سیاسی خاص تصدی امور عمومی را بر عهده دارند و یا خود را به آن حزب وابسته می‌دانند به طور کلی گرایش بیشتری برای اعتماد به دولت

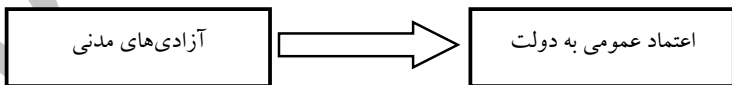
1. King
2. Neustadt

دارند. این در حالی است که اشخاص دیگری که با احزاب سیاسی مخالف دولت بیشتر پیوند دارند اعتماد کمتری را به دولت حاکم ابراز می‌نمایند. دیگر علل سیاسی مرتبط با کاهش اعتماد عمومی عبارتند از: نگرش کلی مردم نسبت به سیاستمداران، وقوع رسوایی‌های سیاسی، ادراک عمومی از میزان و نحوه تأثیر گروه‌های ذینفع خاص، تغییر در نگرش عمومی راجع به قابلیت‌های سیاسی موجود یا بدبینی نسبت به آن و ...

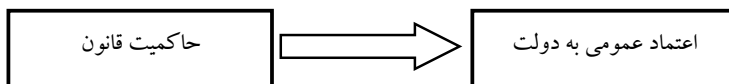
در نهایت نوریس استدلال می‌کند که میزان پشتیبانی عمومی در درون دموکراسی‌ها در میان آن دسته از دموکراسی‌هایی بیشتر است که حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی آنها وسیع‌تر است. به بیان ساده او چنین وانمود می‌کند که در کشورهایی با دموکراسی‌های بهتر سطح اعتماد سیاسی نیز بالاتر است. البته این گفته به واسطه نتایجی که وی گزارش می‌کند تقویت می‌گردد: کشورهایی که کیفیت مؤلفه‌های دموکراسی (مانند آزادی، مشارکت، قانونمندی و ...) و نیز وضعیت نظام سیاسی - اداری آنها بهتر است سطح بالاتری از حمایت سیاسی را دارا هستند.



شکل ۳. ارتباط بین اعتماد عمومی به دولت و مشارکت سیاسی



شکل ۴. ارتباط بین اعتماد عمومی به دولت و آزادی‌های مدنی

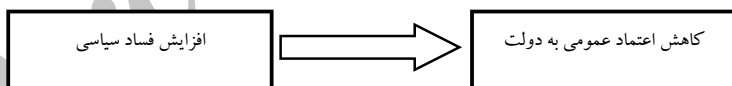


شکل ۵. ارتباط بین اعتماد عمومی به دولت و حاکمیت قانون www.SID.ir



نقش مؤثر فساد در اعتماد سیاسی

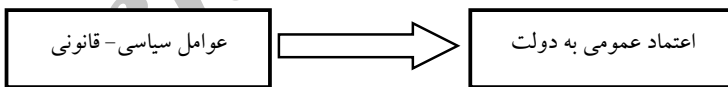
تحقیقات گذشته فساد را به عنوان بلایی بزرگ برای کشورها مدنظر قرار داده‌اند. براساس تئوری‌های کارکردگرایان، پژوهشگران خاطر نشان کرده‌اند که وجود فساد در دولت‌ها همواره امری اجتناب ناپذیر است؛ به ویژه در باز توزیع منابع اقتصادی (هانتینگتون، ۱۹۶۸، ص ۶۰؛ نای، ۱۹۶۷، صص ۴۲۷-۴۱۷). طبق گفته هانتینگتون فساد، منافی سریع، خاص و واقعی را برای عده‌ای که ممکن است کاملاً از جامعه خود بیگانه باشند فراهم می‌کند. اغلب پژوهش‌های کنونی حکایت از آن دارند که پدیده فساد پیامدهای منفی بسیاری برای اقتصاد و سیاست در پی خواهد داشت. بروز فساد و گسترش آن در نظام‌های دموکراتیک میزان اطمینان مردم را به نظام سیاسی - اداری کاهش می‌دهد و مشروعیت سیاسی را مخدوش می‌سازد (سلیگسون، ۲۰۰۲، صص ۴۳۳-۴۰۸؛ میشلر و رز، ۲۰۰۱، صص ۶۲-۳۰). این نتیجه‌گیری در بسترهای محیطی متفاوت صدق می‌کند. همان گونه که دلاپورتا^۱ می‌گوید فساد سیاسی باعث تخریب و تضعیف عملکرد دولت می‌شود و اعتماد عمومی را به ظرفیت و قابلیت حکومت برای طرح نیازهای شهروندان و پاسخگویی به آن را به شدت کاهش می‌دهد. بنابراین هنگامی که ادراک عمومی مردم از وجود فساد گسترده در نهادهای سیاسی - اداری و نیز مدیران و اولیای امور حکایت دارد، باید انتظار داشت که سطح اعتماد عمومی نیز به همان میزان با کاهش مواجه گردد.



شکل ۶. ارتباط بین اعتماد عمومی به دولت و عامل فساد

از سوی دیگر بعضی از آنها نیز بر تأثیر احتمالی «ادراک شهروندان از فساد» بر اعتماد سیاسی در سطح فردی تمرکز نموده‌اند. نکته بسیار مهم و جالب توجه در اینجا این است که سطوح فساد ادراک شده توسط شهروندان لزوماً به معیارهای سنجش فساد واقعی در

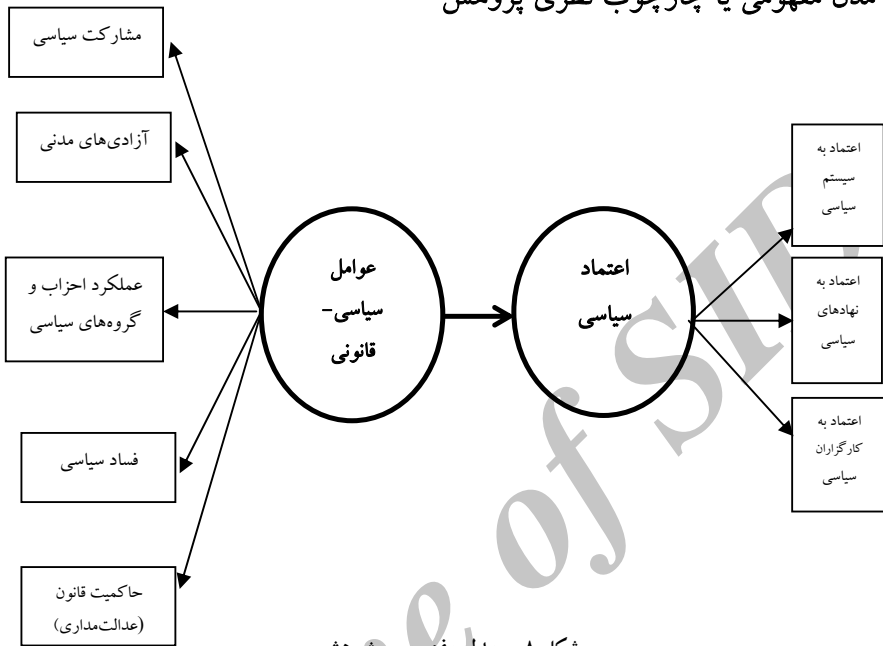
سطح کشوری مربوط نمی‌شوند. به عبارت ساده‌تر ممکن است بسته به عوامل مختلف درونی و زمینه‌ای در یک جامعه برداشت یا ادراک شهروندان از سطح فساد موجود در جامعه در ابعاد مختلف (فساد سیاسی، اقتصادی، اداری و ...) و نگرش آنها در مورد میزان گستردگی آن، با سطح فساد واقعی که به وسیله نهادهای ذیربط در عرصه ملی و بین‌المللی به صورت ادواری سنجیده و اعلام می‌شود، متفاوت باشد. در واقع جای شگفتی نیست که با کشورهاییی مواجه شویم که از سطح فساد واقعی پایینی برخوردارند و در عین حال شهروندان آنها سطح بالایی از فساد را در نظام سیاسی و اداری کشورشان تصور و ادراک می‌نمایند. یا برعکس شاید با کشورهاییی برخورد کنیم که سطح فساد واقعی در آنها بالا است در حالی که ادراک و برداشت شهروندان حاکی از وجود میزان اندکی از فساد در کشور است! اگرچه هر دو موضوع فساد واقعی و فساد ادراک شده مهم هستند اما باید دانست آنچه که مبنای سایر نگرش‌های مردم در سطح عمومی قرار می‌گیرد و رفتارهای آتی شهروندان را جهت می‌دهد، چگونگی ادراک آنها از مؤلفه‌های کلیدی در عرصه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. در هر صورت انتظار می‌رود که یک رابطه منفی قوی بین اعتماد سیاسی و عنصر فساد برقرار باشد؛ یعنی هر چه سطح فساد یا به عبارت بهتر ادراک عمومی از فساد پایین‌تر باشد میزان اعتماد عمومی به دولت بالاتر است!



شکل ۷. ارتباط بین اعتماد عمومی به دولت و متغیرهای سیاسی - قانونی



مدل مفهومی یا چارچوب نظری پژوهش



شکل ۸. مدل مفهومی پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های اصلی

عوامل سیاسی - قانونی بر میزان اعتماد سیاسی مؤثرند.

فرضیه‌های فرعی

- ۱- میزان ادراک مردم از مشارکت سیاسی بر سطح اعتماد سیاسی مؤثر است؛
- ۲- میزان ادراک مردم از آزادی‌های مدنی بر سطح اعتماد سیاسی مؤثر است؛
- ۳- میزان ادراک مردم از فساد سیاسی بر سطح اعتماد سیاسی مؤثر است؛
- ۴- نحوه ادراک مردم از عملکرد احزاب سیاسی بر سطح اعتماد سیاسی مؤثر است؛
- ۵- میزان ادراک مردم از حاکمیت قانون و عدالت در جامعه بر سطح اعتماد سیاسی مؤثر است.



روش شناسی

همان گونه که در ابتدای مقاله اشاره شد پژوهش حاضر از نوع توصیفی است زیرا در پی آن است که تصویری مبتنی بر واقعیت از چگونگی وضعیت موجود ترسیم کند و هر آنچه را که مشاهده می‌شود بی کم و کاست توصیف نماید. در واقع این پژوهش به لحاظ ماهیت و هدف از نوع کاربردی (الگوسازی) و از نظر روش گردآوری و تحلیل اطلاعات مبتنی بر استراتژی پیمایش است. افزون بر آن پژوهش حاضر محدوده زمانی شش ساله اخیر را مد نظر داشته است. به عبارت دیگر بازه زمانی مد نظر پژوهشگر برای سنجش ادراک (نگرش) افراد ناظر بر شش سال اخیر است که دولت کنونی در آن فعالیت داشته است.

جامعه و نمونه آماری

پژوهش حاضر در سطح برخی سازمان‌های دولتی و غیردولتی شهر تهران صورت پذیرفته است (مشمول بر وزارت رفاه، شرکت راه آهن، کارکنان آموزش و پرورش، شرکت داروسازی شفا، ستاد گروه بهمن، شرکت بیمه ملت و بخشی از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی) که نمونه آماری به طور تصادفی از میان جامعه آماری فوق انتخاب و پرسشنامه نهایی (حاصل از بررسی مبانی نظری و ادبیات تحقیق، کارهای صورت گرفته توسط سایر پژوهشگران قبلی و اصلاحات صورت گرفته در پنل دلفی) در میان آنها توزیع شد. در نهایت کار توزیع پرسشنامه‌ها توسط پژوهشگر تا جایی ادامه یافت که ۴۰۵ پرسشنامه قابل استفاده، جمع‌آوری گردید.

روایی و پایایی ابزار سنجش

۱) روایی ابزار

الف) روایی محتوا: به منظور اطمینان بیشتر از روایی محتوا اقدامات زیر توسط پژوهشگر انجام شد:

۱) استفاده از نظرات افراد صاحب نظر و خبره در اصلاحات پرسشنامه‌ها؛



۲) استفاده از ابزار سنجش یا پرسشنامه‌های استاندارد که توسط صاحب‌نظران معتبر طراحی و پیش از این در تحقیقات مختلف روایی آن تأیید شده است؛

۳) توزیع اولیه پرسشنامه بین گروه‌های نمونه و استفاده از بازخورها و نظرات اصلاحی آنها؛

۴) ارائه توضیحات لازم همراه با تحویل پرسشنامه به پاسخ‌دهندگان.

ب) روایی سازه: یکی از روش‌های مطالعه ساختار داخلی یک مجموعه از شاخص‌ها و اندازه‌گیری روایی سازه، تحلیل عاملی تأییدی است که به برآورد بار عاملی و روابط بین مجموعه‌ای از شاخص‌ها و عوامل می‌پردازد. بار عاملی، معرف همبستگی شاخص با عامل مربوطه است. بر این اساس، هرچه بار یک شاخص در یک عامل بزرگ‌تر باشد، در تفسیر آن عامل باید وزن بیشتری به آن شاخص داده شود. در این قسمت، روابط بین ابعاد و مؤلفه‌های هر یک از متغیرهای پژوهش ارزیابی می‌شود و از این طریق بار عاملی هر شاخص همراه با مقادیر آماره t مربوط مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

مدل‌های تحلیل عاملی تأییدی (نمایش بارهای عاملی استاندارد و مقادیر آماره T)

مؤلفه‌های مربوط به متغیر عوامل سیاسی - قانونی

جداول زیر نتایج تحلیل عاملی تأییدی مؤلفه‌های مربوط به متغیر عوامل سیاسی - قانونی را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که تمامی مؤلفه‌ها از بار عاملی قابل قبولی در رابطه با متغیر مکنون مربوط برخوردارند.



جدول ۲. نمایش نوع و مقادیر شاخص‌های برازش در مدل تحلیل عاملی تأییدی

نوع شاخص	نام شاخص	مقدار محاسبه شده	مقدار مطلوب (قابل قبول)	نتیجه
معیارهای برازش کل مدل	RMSEA	۰/۰۵۲	کمتر از ۰/۰۸	قابل قبول
	RMR استاندارد شده	۰/۰۱۷	کمتر از ۰/۰۵	قابل قبول
شاخص‌های برازش مطلق	GFI	۰/۹۹	بالاتر از ۰/۹۰	مطلوب
	AGFI	۰/۹۷	بالاتر از ۰/۹۰	مطلوب
شاخص‌های برازش نسبی	NFI	۰/۹۹	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب
	NNFI	۰/۹۹	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب
	CFI	۱	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب
	IFI	۱	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب
	RFI	۰/۹۹	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب

جدول ۳. مقادیر برخی شاخص‌های مهم در تأیید مدل

نام شاخص	مقدار محاسبه شده	مقدار مطلوب (قابل قبول)	نتیجه
Chi-Square	۸/۳۰	-	-
df	۴	-	-
P-value	۰/۰۸۱	بزرگتر از ۰/۰۵	قابل قبول
RMSEA	۰/۰۵۲	کمتر از ۰/۰۸	قابل قبول
Chi-Square/df	۲/۰۷	کوچکتر از ۴	قابل قبول

مؤلفه‌های مربوط به متغیر اعتماد سیاسی

از جداول زیر ملاحظه می‌شود که تمامی مؤلفه‌ها از بار عاملی قابل قبولی در رابطه با متغیر مکنون مربوط برخوردارند.



جدول ۴. نمایش نوع و مقادیر شاخص‌های برازش در مدل تحلیل عاملی تأییدی

نوع شاخص	نام شاخص	مقدار محاسبه شده	مقدار مطلوب (قابل قبول)	نتیجه
معیارهای برازش کل	RMSEA	۰/۰۰	کمتر از ۰/۰۸	ایده آل
مدل	RMR استاندارد شده	-	کمتر از ۰/۰۵	-
شاخص‌های برازش مطلق	GFI	-	بالاتر از ۰/۹۰	-
	AGFI	-	بالاتر از ۰/۹۰	-
شاخص‌های برازش نسبی	NFI	-	بیشتر از ۰/۹۰	-
	NNFI	-	بیشتر از ۰/۹۰	-
	CFI	-	بیشتر از ۰/۹۰	-
	IFI	-	بیشتر از ۰/۹۰	-
	RFI	-	بیشتر از ۰/۹۰	-

جدول ۵. مقادیر برخی شاخص‌های مهم در تأیید مدل

نام شاخص	مقدار محاسبه شده	مقدار مطلوب (قابل قبول)	نتیجه
Chi-Square	۰/۰۰	-	-
df	۰/۰۰	-	-
P-value	۱/۰۰	بزرگتر از ۰/۰۵	ایده آل
RMSEA	۰/۰۰	کمتر از ۰/۰۸	ایده آل
Chi-Square/df	۰/۰۰	کوچک‌تر از ۴ یا ۲	ایده آل

جدول ۶. نتایج تحلیل عاملی تأییدی مؤلفه‌های مربوط به متغیر اعتماد سیاسی

ردیف	مؤلفه‌های اعتماد سیاسی	T Statistic	بار عاملی
۱	اعتماد به نهادهای سیاسی	۲۳/۷۰	۰/۹۴
۲	اعتماد به نظام سیاسی	۱۹/۷۹	۰/۸۳
۳	اعتماد به مدیران سیاسی	۱۸/۵۶	۰/۸۰

نتایج بیانگر این است که در میان مؤلفه‌های آن، عامل اعتماد به نهادهای سیاسی با بار عاملی ۰/۹۴ دارای بیشترین تأثیر و اعتماد به مدیران سیاسی با بار عاملی ۰/۸۰ دارای کمترین تأثیر نسبی در تبیین متغیر مکنون می‌باشد.

۲) پایایی ابزار

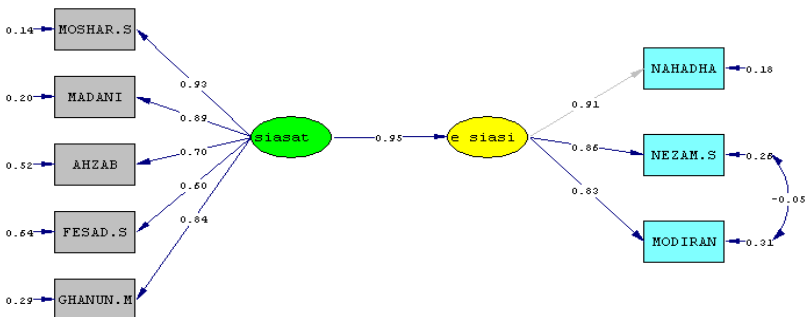
ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده از طریق نرم افزار SPSS برای پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش برای یک نمونه آزمایشی اولیه به تعداد ۳۵ نفر، بسیار مطلوب و در حدود ۹۷ درصد به دست آمد. بنابراین از آنجایی که میزان این ضریب برای پرسشنامه‌های موجود بیش از ۷۰ درصد به دست آمده است می‌توان پایایی ابزار را پذیرفت.

جدول ۷. وضعیت پایایی ابزار سنجش

ردیف	مفاهیم	تعداد سؤال	α کرونباخ
۱	عوامل سیاسی- قانونی	۱۵	٪۹۴
۲	اعتماد سیاسی	۲۴	٪۹۶

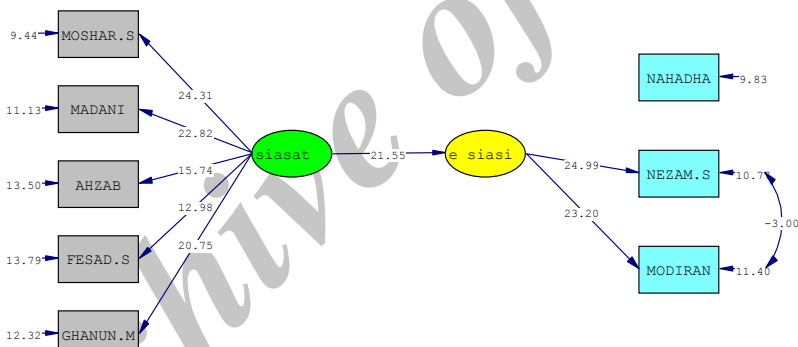
یافته های تحقیق

در این پژوهش یک فرضیه اصلی و پنج فرضیه فرعی مطرح بود که برای آزمون آنها به تناسب نوع فرضیه و داده‌های گردآوری شده، از روش‌های آزمون تحلیل عاملی تأییدی (مقدمه‌ای برای ترسیم مدل نهایی)، آزمون تحلیل مسیر (میزان ضریب مسیر و آماره T) و آزمون رگرسیون استفاده شد. پس از ارائه مدل معادلات ساختاری اصلاحی همراه با نمایش مقدار ضریب مسیر و آماره T برای هر یک از مسیرهای اصلی مدل مزبور نتایج آزمون به ترتیب برای هر یک از فرضیه‌ها بیان می‌شود.



Chi-Square=29.21, df=18, P-value=0.00267, RMSEA=0.054

شکل ۹. مدل معادلات ساختاری (نمایش ضرایب مسیر در مدل نهایی)



Chi-Square=39.21, df=18, P-value=0.00267, RMSEA=0.054

شکل ۱۰. آزمون فرضیات اصلی با توجه به مقادیر t (نمایش مقادیر آماره t در مدل نهایی)

شاخص‌های برازش مدل پژوهش

جدول ۸. شاخص‌های برازش در مدل معادلات ساختاری

نوع شاخص	نام شاخص	مقدار محاسبه شده	مقدار مطلوب (قابل قبول)	نتیجه
معیارهای برازش کل مدل	RMSEA	۰/۰۵۴	کمتر از ۰/۰۸	قابل قبول
	RMR استاندارد شده	۰/۰۲۳	کمتر از ۰/۰۵	قابل قبول
شاخص‌های برازش مطلق	GFI	۰/۹۸	بالا تر از ۰/۹۰	مطلوب
	AGFI	۰/۹۵	بالا تر از ۰/۹۰	مطلوب
شاخص‌های برازش نسبی	NFI	۰/۹۹	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب
	NNFI	۰/۹۹	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب
	CFI	۱	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب
	IFI	۱	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب
	RFI	۰/۹۹	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب

جدول ۹. مقادیر برخی شاخص‌های مهم در تأیید مدل

نام شاخص	مقدار محاسبه شده	مقدار مطلوب (قابل قبول)	نتیجه
Chi-Square	۳۹/۲۱	-	-
df	۱۸	-	-
P-value	۰/۰۰۲	بزرگتر از ۰/۰۵	قابل اغماض
RMSEA	۰/۰۵۴	کمتر از ۰/۰۸	قابل قبول
Chi-Square/df	۲/۱۷	کوچکتر از ۴	قابل قبول

جدول ۱۰. میزان ضریب مسیر و آماره t در مسیر اصلی مدل معادلات ساختاری

ردیف	مؤلفه‌های عوامل راهبردی	T Statistic	ضریب مسیر
۱	عوامل سیاسی - قانونی به اعتماد سیاسی	۲۱/۵۵	۰/۹۵

همان گونه که از نتایج مندرج در جداول فوق استنباط می‌شود شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری (مشمول بر شاخص‌های برازش کل مدل، شاخص‌های برازش مطلق و شاخص‌های برازش نسبی) پس از انجام برخی اصلاحات جزئی در مدل اولیه در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار دارند. بنابراین انطباق الگوی کلی پژوهش با داده‌های



گردآوری شده در تحقیق حاضر رد نمی‌شود. همچنین ملاحظه می‌شود که میزان خطای دوم (RMSEA) تقریب میانگین در حد قابل قبولی قرار دارد و مقدار محاسبه شده نسبت کای اسکوئر (Chi-Square/df) نیز نسبتاً مطلوب است. از همین رو می‌توان گفت مدل تحقیق از برازندگی مناسبی برخوردار است. در نهایت با مطالعه جدول آخر مشخص است در مسیر اصلی میزان ضریب مسیر بالای ۰/۳ و قدر مطلق آماره T نیز بیشتر از عدد ۲ می‌باشد. به این ترتیب فرضیه اصلی پژوهش تأیید می‌شود.

آزمون فرضیات فرعی تحقیق

نتایج آزمون رگرسیون چند گانه برای هر دسته از متغیرها به شرح زیر می‌باشد:

جدول ۱۱. تأثیر پنج مؤلفه فرعی عوامل سیاسی - قانونی بر متغیر وابسته اعتماد سیاسی

متغیرها	ضریب تعیین	ضریب همبستگی	ضرایب همبستگی استاندارد	درصد تبیین	درصد تبیین	سطح معناداری	سطح معناداری کلی
	(کلی)	(R)	تفکیک شده (Beta)	متغیرهای مستقل	سایر متغیرها	به تفکیک	sig. (2-tailed)
مشارکت سیاسی	۰/۷۷	۰/۸۸	۰/۳۹۲	۰/۵۲	۰/۱۵	۰/۰۰	۰/۰۰
آزادی‌های مدنی			۰/۲۵۵			۰/۰۰	۰/۰۰
کارکرد احزاب			۰/۰۱۲			۰/۷۱۵	۰/۷۱۵
سیاسی							
میزان فساد سیاسی			۰/۱۱۲			۰/۰۰	۰/۰۰
حاکمیت قانون و عدالت			۰/۲۱۸			۰/۰۰	۰/۰۰

به این ترتیب می‌توان گفت که در سطح خطای ۰/۰۱ فرض H_0 در مورد چهار فرضیه فرعی اول، دوم، سوم و پنجم رد و فرض مقابل (فرض H_1 یا فرض تحقیق) تأیید

می‌گردد. بنابراین چهار فرضیه فرعی مذکور در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌گردند و فرضیه فرعی چهارم با عنایت به سطح معناداری ($Sig = 0/715$) به دست آمده رد می‌شود.

تحلیل نتایج و پیشنهادها

ابتدا باید این نکته را متذکر شویم که ادراک مردم از یک پدیده (نوع نگرش آنها نسبت به آن) و وضعیت واقعی حاکم بر یک متغیر، دو موضوع مرتبط و در عین حال متفاوت هستند. به عبارت بهتر ممکن است وضعیت واقعی یک متغیر در جامعه مطلوب باشد اما نگرش عمومی یا ادراک مردم از آن عامل چندان مطلوب نباشد و یا حتی نگاه آنان کاملاً نامساعد باشد و بر عکس ممکن است وضعیت جاری متغیر دیگری نامطلوب باشد اما نگرش یا ادراک عمومی نسبت به آن پدیده چندان نامطلوب نباشد (مثل شرایط فرهنگی، سیاسی یا اقتصادی حاکم در یک جامعه).

باید توجه داشت که یافته‌های محققان رفتار سازمانی در این زمینه حاکی از آن است که آنچه مبنای رفتار و مواضع مردم قرار می‌گیرد لزوماً وضعیت واقعی متغیرها یا شرایط واقعی حاکم بر سیاست، اقتصاد، فرهنگ، جامعه و ... نیست بلکه ادراک آنها نسبت به پدیده‌ها یا موضوعات مختلف مبنای تفکر، رفتار و عمل آنها قرار می‌گیرد.

بنابراین سازمان‌های دولتی افزون بر نحوه انجام کار و یا اداره امور باید نسبت به بازتاب فعالیت‌های خود در افکار عمومی و نوع نگاه، برداشت یا ادراک مردم از فعالیت‌ها و سیاست‌های خود توجه داشته باشند و دلایل بهبود یا تنزل در این زمینه را به دقت مورد موشکافی قرار دهند. با توجه به یافته‌های این پژوهش و سایر تحقیقات مشابه لازم است در محاسبه سطح اعتماد سیاسی توجه خاصی نسبت به وضعیت عوامل استراتژیک محیطی در جامعه معطوف شود زیرا نتیجه این تحقیق مؤید نتایج پژوهش‌های گذشته درباره تأثیر مستقیم عوامل راهبردی محیطی بر سطح اعتماد سیاسی در یک کشور است. به این ترتیب با اطمینان بیشتری می‌توان پیشنهاد کرد که در وضعیت جاری کشور با فرض ثابت بودن سایر شرایط هر چقدر عوامل سیاسی- قانونی در وضعیت مساعدتری باشند احتمالاً سطح اعتماد سیاسی در میان مردم از وضعیت بهتری برخوردار خواهد بود.



طبق نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه‌های فرعی مربوط، چهار عامل مشارکت سیاسی، میزان آزادی‌های مدنی، حاکمیت قانون (عدالت) و ادراک مردم از میزان فساد سیاسی به ترتیب مؤثرترین عوامل بر نوع نگرش مردم در زمینه اعتماد سیاسی به شمار می‌روند. بنابراین می‌بایست برای تقویت و ارتقاء دیدگاه مردم نسبت به وضعیت کنونی این مؤلفه‌ها در جامعه به ترتیب اولویت ذکر شده برنامه‌ریزی و اقدامات لازم توسط دولت انجام شود:

۱- مشارکت سیاسی: به منظور تقویت مشارکت سیاسی لازم است به گونه‌ای بسترسازی شود تا سهم مردم در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌سازی‌های عمومی افزایش یابد، از توان و استعداد مردم در اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های عمومی نهایت استفاده ممکن صورت پذیرد و شرایطی فراهم شود تا شهروندان از حق ارزیابی و امکان نظارت مستمر بر فعالیت‌های دولت‌مردان برخوردار باشند.

۲- آزادی‌های مدنی: جهت بهبود وضعیت ادراک مردم از آزادی‌های مدنی می‌بایست به مردم اجازه داد تا از طریق رسانه‌های خبری آزاد و مستقل (تنوع و تکثر رسانه‌ای) با دیدگاه‌های سیاسی - اجتماعی مختلف به طرح دیدگاه‌های خود در مورد مسائل روز بپردازند. همچنین باید تلاش شود تا شهروندان احساس کنند در جامعه از حق اظهار نظر، انتقاد و آزادی بیان واقعی برخوردارند.

۳- قانون‌مداری: در زمینه ارتقای وضعیت قانون‌مداری در کشور توجه مسئولان امر به نکات زیر ضروری است: اجرای ضابطه‌مند، روشن و شفاف قوانین و مقررات در جامعه، تبعیض قائل نشدن بین مردم عادی و صاحبان قدرت و ثروت در برابر قوانین و یکسان بودن مردم و مسئولان (دولتمردان) در برابر مقررات، اقتدار و استقلال عمل نظام قضایی کشور و دادگاه‌ها در برابر گروه‌های فشار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و عدم تأثیرپذیری از آنها.

۴- فساد: در مرور مبانی نظری تحقیق فساد سیاسی و اقتصادی به عنوان یکی از عوامل بسیار مؤثر بر کاهش اعتماد مردم به دولت‌ها و نظام‌های سیاسی در کشورهای مختلف شناخته شده است. همچنین ادراک مردم از میزان وجود و گسترش پدیده فساد در هر جامعه بیش از میزان فساد واقعی حاکم در یک کشور اهمیت دارد زیرا مبنای قضاوت و

رفتار مردم را نوع ادراک، برداشت‌ها و نگرش کنونی آنها تشکیل می‌دهد نه واقعیات مفروض یا موجود. در این زمینه می‌توان موارد زیر را مورد توجه قرار داد: تخصیص پُست‌های سیاسی و مناصب دولتی به صورت ضابطه‌مند و غیرسلیقه‌ای و مبتنی بر شایسته‌سالاری، عدم استفاده سیاستمداران از نفوذ و قدرت سیاسی خود برای کسب منافع شخصی و منع دیگران از این عمل، عدم استفاده مسئولان از اطلاعات ویژه و امتیازات انحصاری به نفع خود و خانواده خود و مواردی از این دست.

۵- عملکرد احزاب سیاسی: در این تحقیق تاثیر عملکرد احزاب بر اعتماد سیاسی در مقایسه با سایر عوامل فوق به تأیید نرسید (از اولویت تأثیر گذاری برخوردار نشد) که این امر می‌تواند علل مختلفی داشته باشد (از جمله تأثیر قوی‌تر دیگر متغیرهای مطرح در این تحقیق بر عامل اعتماد سیاسی). اما به طور کلی و در مقام توضیح باید گفت که عملکرد احزاب سیاسی در طول دوران تصاحب قدرت یا مبارزات انتخاباتی در کشورهای مختلف این باور عمیق را در مردم ایجاد نموده است که هر حزبی حاکم شود براساس سیستم تاراج عمل می‌کند و فقط به منافع حزبی خود می‌اندیشد. بنابراین معمولاً کلیه انتصابات نیز بر محور حزب‌گرایی صورت خواهد گرفت و خط‌مشی‌های تدوین شده به وسیله این احزاب با نیت حزبی خواهد بود (اسمیت و هانتسمن، ۱۹۹۷، صص ۳۱۸-۳۰۹) که این امر کاهش اعتماد سیاسی را به دنبال خواهد داشت.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

۱) بررسی سایر عوامل احتمالی مؤثر در افزایش یا کاهش اعتماد عمومی و تکمیل یا اصلاح مدل ارائه شده در این پژوهش (برای مثال وارد ساختن عواملی نظیر پاسخگویی، کارایی، اثربخشی، عملکرد و ...، مطالعه میزان و نحوه اثر آنها یا بررسی در مورد دیگر عوامل راهبردی محیطی و تکمیل و اصلاح طبقه بندی صورت گرفته در خصوص این عوامل به منظور غنی‌تر ساختن ادبیات کنونی)؛

۲) تحقیق حاضر با استفاده از روش‌های کمی و به طور مشخص پیمایش انجام شده است. به پژوهشگران آینده توصیه می‌شود با بهره‌گیری از روش‌های کیفی نظیر مصاحبه



عمیق، مشاهده مشارکتی، تحلیل محتوا، مطالعه موردی، تحقیق داده بنیان یا سایر روش‌های مربوط چنین تحقیقی را انجام دهند و ضمن ارائه الگوهای جدیدتر نتایج حاصل از تحقیقات مذکور را با نتایج به دست آمده از این تحقیق و تحقیقات پیشین مقایسه نمایند؛

۳) گسترش جامعه آماری چنین تحقیقاتی به کلیه مناطق تهران یا سایر شهرهای کشور و مقایسه تطبیقی مناطق با یکدیگر جهت قضاوت دقیق و علمی‌تر پیرامون سطح اعتماد عمومی به دولت (یا اعتماد سیاسی)؛

۴) شناسایی و کنترل متغیرهای مداخله‌گر، فرعی یا مزاحم که در روند انجام چنین تحقیقی خلل وارد می‌آورند و استفاده از تدابیر خاص برای کنترل این گونه متغیرها؛

۵) پیش از این اشاره شد که وضعیت واقعی برخی متغیرها در جامعه و طرز تلقی یا برداشت یا نگرش مردم در مورد این عوامل دو بحث متفاوتند. آنچه که اهمیت دارد ادراک عمومی در مورد وضعیت کنونی این عوامل است نه واقعیت موجود زیرا ادراک یا طرز تلقی افراد مبنای داوری یا رفتار آنان در خصوص موضوعات روز جامعه است. بنابراین توصیه می‌شود که پژوهشگران آینده ادراک عمومی در مورد متغیرهای چنین تحقیقاتی را مورد بررسی قرار داده و آن را با واقعیت‌های موجود در جامعه مقایسه نمایند. در صورت وجود اختلاف معنادار بین این دو مقوله می‌توان پژوهش‌هایی را برای شناخت عوامل مؤثر بر این امر و ریشه‌یابی جهت کشف چگونگی و چرایی این مشکل طراحی و اجرا نمود.

محدودیت‌های پژوهش

برخی محدودیت‌های مهم پیش روی پژوهشگر در اجرای این تحقیق عبارتند از:

۱- محدودیت‌های زمانی حاکم بر تحقیق (فرصت محدود برای به انجام رسیدن تحقیق و شرایط ملتهب سیاسی- اجتماعی جامعه در بازه زمانی اجرای پژوهش نمونه‌گیری کاملاً متناسب و تصادفی و جلب همکاری افراد را دشوار می‌ساخت)؛

۲- محدودیت در روایی بیرونی یا قابلیت تعمیم‌پذیری یافته‌ها که با توجه به ناگزیر بودن پژوهشگر در استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس اجتناب‌ناپذیر بوده است؛

۳- محدودیت‌های ذاتی ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات کامل و دقیق (احتمال عدم ارائه اطلاعات صحیح و دقیق و یا تحریف حقایق توسط آزمودنی‌ها به دلایل مختلف)؛

۴- دشواری در کنترل وضعیت محیطی و شرایط اقتضایی حاکم بر پاسخگویان (دشواری محقق در کنترل متغیرهای فرعی، مداخله‌گر و مزاحم احتمالی)؛

۵- احتمالاً عوامل مهم دیگری نیز می‌توانند بر متغیر اعتماد سیاسی مؤثر باشند که به دلیل محدودیت موضوع در این نوشتار به آنها پرداخته نشد و می‌توان آنها را موضوع پژوهش‌های آینده قرار داد.

منابع فارسی

- حیدری، سیامک. (۱۳۸۷). *عوامل مؤثر بر اعتماد سیاسی به حکومت در میان دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- شایگان، فریبا. (۱۳۸۶). *دینداری و تأثیر آن بر اعتماد سیاسی*، رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- گلایی، فاطمه. (۱۳۸۳). *نقش اعتماد اجتماعی در امر توسعه، با تأکید بر عملکرد نقش شورای اسلامی*؛ رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

منابع لاتین

- Bretzer, Noreen. (2002). *how can Institutions Better Explain Political Trust than Capitals Do?* PHD Theses, University of Gothenburg, Sweden, From: WWW.Google.Com
- Burg, A. (2005). *Creating trust? A critical perspective on trust-enhancing efforts in public services*, Public performance & Management review. Vol.28 No.4
- Fokuyama, f. (1995). *Trust: The Social Virtuous and the Creation of Prosperity*, New York: The Free Press
- Gamson, W. (1968). *Power and Discontent*, Homewood: Dorsey Press
- Gordon, M. T. (2000). *Public Trust in Government; The USA Media as an Agent Accountability*, International Review of Administrative Sciences, 4(3), 297-310
- Hetherington, Marc J. (1998). *The Political Relevance of Political Trust* American Political Science Review 92: 791-808
- King, D. C. (1997). *The polarization of American parties and the mistrust of*



- government. In J. S. Nye, P. D. Zelikow, & D. C. King (Eds.), *Why people don't trust government* (pp. 155-178). Cambridge, MA: Harvard University Press
- Larsake Larson.(2007) . *Public trust in the PR industry and its actors* Journal of Communication Management Vol.11 No.3 pp.222-234
- Levi, Margaret and Laura Stoker.(2000). *Political Trust and Trustworthiness*, Annual Review of Political Science 3: 475.507
- Luhman, N. (1979). *Trust and power*, New York, John Willey
- Mishler, William & Richard Rose.(2001). *What are the Origins of Political Trust? Testing Institutional and Cultural Theories in Post-Communist Societies*, Comparative Political Studies 34 (1): 30-62
- Neustadt, R. E. (1997). *The politics of mistrust*, in I. S. Nye, P. D. Zelikow, & D. C. King (Eds.), *Why people don't trust government* (pp. 179-201). Cambridge, MA: Harvard University Press
- Nyhan, R.C. and Marlowe, H.A. (1997), *Development and psychometric properties of the organizational trust inventory*, Evaluation Review, Vol. 21 No. 5, pp. 614-35.
- Nyhan, R.C. (2000), *Changing the paradigm: trust and its role in public sector organizations*, American Review of Public Administration, Vol. 30 No. 1, pp. 87-109.
- Offe, Claus.(1999). *How Can We Trust Our Fellow Citizens?* In Democracy and Trust, edited by M. Warren. Cambridge: Cambridge University Press.
- Rooter. J.B. (1967). *A new scale for the measurement of interpersonal trust*, Journal of personality 35, 651-665
- Seligson, Mitchell.(2002). *The Impact of Corruption on Regime Legitimacy: A Comparative Study of Four Latin American Countries*. Journal of Politics 64 (2): 408-433.
- Smith, G. E., & Huntsman, C. A., (1997), *Reframing the metaphor of the citizen-government relationship: A value-centered perspective*, Public Administration Review, 57(4), 309-318